

خبر

شیوع سرطان کودکان در ایران کم است اما پیامدهای روانی واجتماعی آن زیاد

به گفته متخصصان، گرچه شیوع سرطان کودکان در ایران کم است اما پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی آن بیشتر از سرطان بزرگسالان است و ظرفیت‌های بیمارستان محک برای پیشرفت علم و روش‌های درمانی قابل توجه است. مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک در بیش از سه دهه فعالیت، بسا بهره‌گیری از کمک‌های انسان‌دوستانه مردم نیکوکار و همراهی مدیران نیک‌اندیش و تلاش پیکبر نیروهای داوطلب و موظف خود، به موفقیت‌های چشمگیری در حوزه‌های امور خیریه، درمان و تحقیقات سرطان کودکان در ایران دست یافته و به یکی از قطب‌های درمان در خاورمیانه تبدیل شده است. برگزاری کنگره‌های علمی مانند «کنگره دوسالانه بین‌المللی انکولوژی کودکان (یادبود پروفوسور پروانه وثوق)» ازجمله اقدامات مهم محک برای بررسی برنامه‌های درمانی سرطان کودکان است. حضور متخصصان داخلی برجسته در محک و ارتباط با سایر متخصصان بین‌المللی، اثرگذاری درمان کودکان مبتلا به سرطان را در محک افزایش داده است. دکتر ماندانا تسبیحی، فوق تخصص خون و سرطان کودکان (انکولوژی) با اشاره به ظرفیت‌های علمی مؤسسه محک و با بیان اینکه رسالت اصلی محک کمک

به کودکان مبتلا به سرطان است، گفت: محک از ابتدای تأسیس تاکنون به تدریج با توسعه فضای فیزیکی، پیشرفت علم و روش‌های درمانی به ظرفیت خوبی برای درمان کودکان مبتلا به سرطان رسیده است. از سوی دیگر تلاش می‌شود خدمات درمانی با بالاترین سطح استانداردهای جهانی ارائه شود. دکتر تسبیحی عنوان کرد: مسیر سختی در محک طی شده تا به نقطه کنونی رسیده است. امیدوارم هم‌زمان با گسترش پیشرفت‌ها در محک سرعت دسترسی به برنامه‌های درمانی نیز بیش از پیش شود. دکتر علی قنبری‌مطلق، رادیو-انکولوژیست هم با بیان اینکه سرطان کودکان در ایران چندان مورد توجه نیست و برگزاری کنگره‌های علمی همچون «کنگره دوسالانه بین‌المللی انکولوژی کودکان (یادبود پروفوسور پروانه وثوق)»، امکان اشتراک‌گذاری دانش میان متخصصان داخلی و بین‌المللی را فراهم می‌کند،گفت: گرچه شیوع سرطان کودکان کم است اما ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی آن بیشتر از سرطان بزرگسالان است و به همین دلیل برگزاری کنگره‌های علمی از سوی محک اقدام ارزشمندی است؛ چراکه مراکز درمانی تخصصی برای سرطان کودکان در ایران بسیار کم است و تجارب محک در این حوزه برای سایر مراکز درمانی راهگشاست. محک همواره در تلاش است با برگزاری کنگره‌های علمی زمینه تبادل دانش پزشکان را فراهم کند تا کودکان مبتلا به سرطان بر اساس آخرین استانداردهای بین‌المللی در مسیر درمان قرار بگیرند.

نوجوهای یک هافبک چپ

تابستان، بی برقی و تعطیلی کار سرگیجه و استیصال در غیاب عقل

سحر طلوعی، پیامک‌های پرشمار و هرروزه و زیرنویس سریال‌های تلویزیونی با محتوای صرفه‌جویی در مصرف برق یعنی اوضاع خوب نیست. پخش برنامه‌های مشوق صرفه‌جویی برق از شبکه‌های تلویزیونی یعنی بروز بحران بی‌برقی، تعطیلی و کاهش ساعات کار اداره‌ها و همچنین قطعی‌های مدام برق وسط این گرمای طاقت‌فرسای تابستان شاهد دیگری برای این ادعاست. اما چرا کار به اینجا کشید؟ مگر ادعا نکرده بودیم مدیریت جهان را باید به ما بسپارند؟ مگر نمی‌خواستیم برای هفت میلیارد نفر تصمیم بگیریم؟ چه شد حالا در تأمین برق ۸۰ میلیون نفر مانده‌ایم؟ اشاره به انواع کمبودها در زیرساخت‌ها و توسعه و گسترش و ترمیم و تعمیر منابع برای تأمین برق مورد نیاز وظیفه کارشناسان است که در همه این سال‌ها نوشته‌اند و گفته‌اند. اما مثل خیلی از توصیه‌های کارشناسی است که بی‌جایی نبرده است و بودجه‌ها خرج پروژه‌ها و برنامه‌های دیگر شده است که بماند. سوی دیگر بحران بی‌برقی بی‌توجهی به تجربه زیسته بشر در سراسر جهان است و پافشاری بر عقاید پوپولیستی تاریخ‌گذشته. دهه‌هاست بشر مدرن و معقول به این نتیجه رسیده شش ماه در سال طول روزها به‌قدری بلند است که می‌شود از نور خورشید و روشنائی طبیعی استفاده کرد؛ بی‌هزینه و رایگان. دهه‌هاست بشر آگاه و منطقی دریافته است که در این شش ماه، ساعت خواب و بیداری را تنها یک ساعت تغییر دهد، نه به جایی برمی‌خورد و نه هزینه‌ای متحمل می‌شود و نه هزینه‌ای ایجاد می‌کند. اما ناگهان این میان مدیر مدعی ما از راه می‌رسد و نتیجه سال‌ها مطالعه و تحقیق و تجربه زیسته یک جهان را یک دستور بی‌حساب‌وکناب کنار می‌گذارد و راه خودش را می‌رود تا دل اقلیتی را به دست بیاورد. دانش مدیر مدعی آن قدری از مناج و داشته‌ها و زیرساخت‌ها اطلاع و آگاهی کم است تا آخر سر حرفش می‌ماند و بی‌توجه به تجربه زیسته و داناشی بشر راه خودش را می‌رفت و از همان راه نیاز روزمره شهروندان‌را تأمین می‌کرد. اما مدیر مدعی ما تازه در نیمه راه متوجه داشته و امکاناتش می‌شود و می‌بیند نیروگاه‌ها به نفس‌نفس افتاده‌اند، حالا چه می‌کند؟ همه توش و توان و خلاقیت و دانش خود را به کار می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که مشکل از شهروند است، آنها برمصرف هستند پس باید برق قطع کند. اداره‌هایش باید تعطیل شوند، ساعات کار اداره‌هایش باید تغییر کند و به خوش‌مصرف جایزه بدهد و صبح تا شب با پیامک و زیرنویس تلویزیونی روح شهروندان‌را سوهان بزند. آخ که اگر می‌شد روایتی نقل کرد از اهل جهنم آنها که برق مصرف می‌کنند، چقدر برای مدیر مدعی ما خوب بود! مدیر مدعی ما به جای آنکه زودتر مسیر خود را تغییر دهد و به برنامه جهانی بازگردد، همچنان بر مواضع خود سفت و محکم می‌ای کوبد و سینه‌خیز با همین راه‌حلهای دم‌دستی تا پایب و زمستان می‌رود تا با کاهش مدام هوا، مشکل برق حل شود و این نقشه‌ها را برای گاز مصرفی شهروندان‌ش بکشد.

مدیران مدعی ما به جای بازگشت به مسیر عقل و دانش مژده می‌دهند قله‌های جدیدی از مصرف در هفته آینده پیش‌رو است و نیروگاه‌ها توان تولید ندارند! ما انتظار نداریم مدیر مدعی ما همچون مدیران و مسئولان کشور هلند عمل کند و برای تابستان شهروندان گرم ضدآفتاب رایگان در اختیار بگذارد! ما همین‌که ببینیم او دستت از خیره‌سری بردارد و به جای توصیه مدام به صرفه‌جویی، کمی هم به وظیفه‌اش عمل کند، خوشحال می‌شویم، نه که بازگشت به برنامه تغییر ساعت جهانی مشکلات اساسی نیروگاه‌های خسته و کم‌توان ما را وسط این گرمای جهنمی حل کند، اما نشان می‌دهد مدیر به ریل منطق و دانش و تجربه بازگشته و در کنار توصیه به صرفه‌جویی، کار دیگر هم بلد است. توصیه به صرفه‌جویی چیز بدی نیست، به شرطی که معنی‌اش درست مصرف‌کردن باشد. این روزها با قطع‌شدن مکرر برق بسیاری از مناطق، توصیه به صرفه‌جویی مفهومی جز توقف مصرف ندارد. نمی‌شود از سحر و روش جهانی برای تولید و تأمین ذخایر برق و جلوگیری از هدررفت آن کناره گرفت، اما پای مصرف بهینه که وسط می‌آید شهروندان آلمان و ژاپن و کجا و کجا را برای مردم مازن دل که ببینید چگونه مصرف می‌کنند و چه درست مصرف می‌کنند؟ که آنها هم مصرف‌کننده بهینه به دنیا نیامده‌اند و همان دولت‌ها در مدارس آموزش داده و البته وظایف مکرر خود را هم در میدان زیرساخت‌ها و راه‌اندازی انواع و اقسام نیروگاه‌ها و پل‌های خورشیدی و… تمام و کمال انجام داده و معقول از مردم مطالبه هم کرده‌اند. نمی‌شود از دنیا و تعامل با آن برید، اما در تأمین ساده‌ترین نیازها جخالنی داد و از انجام وظیفه سر باز زد.

مهسا کسنوی، الهه توانا: اواسط سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، مدیران روزنامه «خراسان» به دلیل مشکلات مالی مؤسسه، دست به اقدام عجیبی زدند. مسئولان وقت «خراسان» تصمیم گرفتند برای تأمین بودجه با هدف پرداخت حقوق معوق کارکنان خود، به نام تمام افسراد تحریریه (اعم از صفحه‌آرا، خبرنگار و نیروهای منابع انسانی) از بانک «قرض‌الحسنه مهر ایران» وام دریافت کنند و تعهد کردند اقساط آن را بپردازند؛ وامی که مبلغ کل دریافتی آن به حساب روزنامه واریز شد و اقساط آن بعد از گذشت چند سال هنوز پرداخت نشده است.عدم بازپرداخت وام‌های گرفته‌شده، امروز باعث به‌وجودآمدن مشکلات متعددی برای خبرنگاران و کارکنان حاضر و سابق «خراسان» شده است. این در حالی است که نه مدیران سابق و نه مدیران فعلی، زیر بار مسئولیت این وضعیت اسفناک نمی‌روند. در کمال ناآوری، مدیرمسئول وقت این مجموعه، در پاسخ به خبرنگاران معترض به این وضعیت، گفته است: «خودتان وام را تسویه کنید، ما بعدا پرداخت می‌کنیم».

وامی که قرار بود اوضاع را بهتر کند

«حقوق‌ها در چند نوبت پرداخت می‌شد. اعتراض کردیم، مثلا چاره کردند و گفتند برای پرداخت به‌موقع حقوق، به نام خودتان یا بستگانتان وام می‌گیریم و بعد خودمان اقساط را پرداخت می‌کنیم». این را یکی از کارکنان سابق روزنامه «خراسان» می‌گوید و ادامه می‌دهد: «مبلغ وامی که از بانک «مهر ایران» گرفته شد، به اسم ما بود و مستقیم به حساب روزنامه واریز شد. من در این مورد با چند وکیل صحبت کرده‌ام و همگی می‌گویند این کار تخلف است، حتماً پیگیری خواهیم کرد». این کارمند سابق «خراسان» گلایه می‌کند: «قبل از امضای فرم از مدیران پرسیدم اگر با مؤسسه «خراسان» قطع همکاری کنم و اقساط تمام شده باشد، چه خواهد شد؟ آنها به من اطمینان دادند به محض رفتن همکاران از مجموعه، تسویه با بانک انجام خواهد شد. اما حالا تسویه‌حساب صورت نگرفته است و هر روز با پیام‌های تهدیدآمیز بانک مواجه می‌شوم. مگر مجموعه «خراسان» ضامن کارکنان نبوده؟ چرا پیام‌های بانک برای ما می‌آید؟ چرا پول اقساط در حساب «خراسان» کسر نمی‌شود؟»

این فرد از تخلف عجیب دیگری نیز برده برمی‌دارد و می‌گوید: «از طرف مجموعه «خراسان» به ما گفته شد می‌توانیم به‌نام اقوام خود نیز برای پرداخت حقوق وام بگیریم. فرم را به فرد منظر می‌دادیم و او امضا می‌کرد.

یعنی برای شناسایی فرد وام‌گیرنده، اصلاً احتیاجی نبود که به بانک مراجعه کند!».

مشتری بدحسابم و نمی‌توانم از هیچ بانکی وام بگیرم

دو سال است با روزنامه «خراسان» قطع همکاری کرده اما هنوز درگیر قسط‌های پرداخت‌نشده این مؤسسه است و به دلیل کاهش امتیاز در اعتبارسنجی بانک، نتوانسته است وام بگیرد.

خبرنگار سابق «خراسان» مشکلاتش را این‌گونه عنوان می‌کند: «بعد از جداشدن از خراسان در ظاهر مشکلی نبود، به‌جز چند پیامکی که گهگاه از طرف بانک «مهر ایران» می‌آمد که جدی نمی‌گرفتم». در حقیقت من تا زمانی که برای گرفتن وام به بانک مراجعه نکرده بودم، متوجه مشکل نشده‌م. بعد از مراجعه به بانک فهمیدم به دلیل پرداخت‌نشدن وامی که چند سال پیش مؤسسه برای پرداخت به‌موقع حقوق‌ها، به نام ما گرفته بود، مشتری بدحساب شناخته شدم و نمی‌توانم از هیچ بانکی وام بگیرم». او ادامه می‌دهد: «بعد از متوجه‌شدن این موضوع، با مدیرمسئول فعلی خراسان، آقای «سعیدی» تماس گرفتم. قرار شد پیگیری کنند و اقساط معوق پرداخت شود. اما فقط یک ماه این اقساط پرداخت شد و دوباره اوضاع به شرایط قبل بازگشت. شاید مدیریت فعلی مقصر اصلی بازپرداخت وام‌ها نباشد، اما این حجم از بی‌توجهی به شرایط واقعا کاری درست و اخلاقی نیست». از این خبرنگار سابق خراسان درباره مبلغ وام می‌پرسیم، پاسخ می‌دهد: «من حتی مبلغ وام را هم نمی‌دانستم. بعد از پیگیری متوجه شدم صد میلیون به نام من وام گرفته شده است. البته به نام مادرم هم وام گرفته شد و این مشکلات برای مادرم هم به وجود آمده است».

برنامه‌های بلندپروازانه و ایده‌های بوج

دبیر سابق یکی از صفحات روزنامه «خراسان» درباره وام‌های گرفته‌شده به اعتبار کارکنان این مجموعه



«شرق» زوایای پنهان یک ماجرای عجیب در روزنامه «خراسان» را بررسی می‌کند

به نام خبرنگاران، به کام «خراسان»

می‌گوید: «به اسم من چهار وام گرفته شد و حالا در هر بار اخطار از طرف بانک، چهار پیامک و چهار تماس تلفنی دریافت می‌کنم».

او ادامه می‌دهد: «وام‌ها به خاطر شرایط بد پرداخت حقوق‌ها از بانک مهر ایران گرفته شد. در ابتدا اوضاع خوب بود و ما بعد از مدتی لذت پرداخت حقوق کامل اول ماه را چشیدیم، اما متأسفانه مدت زیادی نگذشت که مدیران تصمیم گرفتند قسط‌های بانک را پرداخت نکنند و احتمالاً این پول را برای برنامه‌های بلندپروازانه و ایده‌های بوج خود سرمایه‌گذاری کنند که ثمری هم برای مجموعه نداشت. در همان دورانی که خبرنگاران «خراسان» با وام گرفته‌شده از بانک، حقوق خود را می‌گرفتند، بعضی از مدیران «خراسان» حقوق‌های بالا و پاداش‌های نجومی دریافت می‌کردند. ای کاش حداقل مسئولان درست وام‌ها را خرج می‌کردند».

احدیان: مسئولیت شرعی‌اش با من است

این ابتکار عالمانه را آقای احدیان، مدیرمسئول اسبق خراسان، اجرا کرد و در جلسه‌ای که قبل از گرفتن وام‌ها برگزار شد، در پاسخ به خبرنگاران و کارکنان مجموعه خراسان که از پرداخت‌نشدن اقساط در آینده ابراز نگرانی کرده بودند، گفت: «مسئولیت شرعی‌اش با من است». این توضیحات یکی دیگر از دبیران سابق خراسان است. او در ادامه می‌گوید: «گرفتن این‌س وام‌ها، پیش‌خورکردن درآمد آینده «مؤسسه فرهنگی-هنری خراسان» بود که در زمان مدیرمسئولی آقای احدیان صورت گرفت. علاوه بر پرداخت‌نکردن اقساط وام‌ها، پول بیمه تأمین اجتماعی هم با اینکه از حقوق خبرنگاران کسر می‌شد، پرداخت نمی‌شد.

بسیاری از اموال و املاک این مجموعه که به چند سال اخیر برای صاف‌کردن بدهی‌ها فروخته شد که نتیجه‌ای نداشت. همچنین بسیاری از خبرنگاران در خراسان نه بیمه داشتند و نه قرارداد. می‌خواهم بدانید تخلف در خراسان زیاد بوده و پرداخت‌نشدن اقساط وام‌ها، فقط بخشی از این موارد است».

خبرنگار سابق خراسان از مشکلاتی که به واسطه پرداخت‌نشدن اقساط توسط «خراسان»، «ایش ایجاد شده است، می‌گوید: «نه وام می‌توانم بگیرم، نه دسته‌چک! وضعیت مالی من با مشکل مواجه شده است و به لطف روزنامه خراسان، ۴۰ میلیون تومان به بانک بدهکارم».

کسی مسئولیت شرایط فعلی را نمی‌پذیرد

«از آذرماه ۱۳۹۹ تا سال ۱۴۰۰، هفت وام به نام من گرفته شده است. درحال‌حاضر بیش از یک سال است که با «خراسان» همکاری ندارم و دو وام هنوز تسویه نشده است. طبق آماری که از بانک گرفتم، این اوضاع در خوشبینانه‌ترین حالت تا آذرماه ۱۴۰۴ ادامه دارد. این اتفاق اگر ضعف مدیریتی نیست، پس چیست؟»

خبرنگار سابق «خراسان»، برای گرفتن وام به مشکل اعتبارسنجی خورده و بعد از پیگیری از بانک «مهر ایران» متوجه شده این مشکل به دلیل پرداخت‌نشدن اقساط معوق مجموعه «خراسان» بوده است. او مقصر شرایط موجود را مدیریت خراسان می‌داند و دراین‌باره توضیح می‌دهد: «در دوره‌ای که بانک گرفته شد، خراسان حداقل صد پرسنل داشت و به اندازه سه ماه حقوق معوق پرسنل از بانک «مهر ایران» وام گرفته شد؛ یعنی مبلغ کل سه ماه را از بانک گرفتند. این پول چند ماه در حساب خراسان ماند و حقوق یک ماه ما را دادند، نه سه ماه عقب‌افتاده را». او ادامه می‌دهد: «بعد از اتمام دوره مدیریت آقای احدیان، وام‌ها کمتر شد و کسی هم مسئولیت شرایط فعلی مؤسسه را نپذیرفت. مدیرمسئول بعدی، یک سال بیشتر نماند و مدیر فعلی هم پاسخ‌گوی شرایط نیست. تنها توضیح‌شان این است که خودتان وام را با بانک تسویه کنید، ما بعدا پولتان را می‌دهیم».

موضوع قابل پیگرد قضائی است

پیامک‌های هشدارآمیزی که این روزها روی گوشی خبرنگاران روزنامه خراسان ظاهر می‌شود و تن و بدشان را می‌لرزاند، غیر از گرفتاری‌های مالی که برای کارکنان این مجموعه ایجاد کرده است، ابعاد حقوقی هم دارد. آیا تعامل بانک و مؤسسه خراسان، از نظر قانونی مورد تأیید است؟ «احسان سهرابی»، فعال کارگری در مشهد، دراین‌باره توضیح می‌دهد: ماجرای وام‌گرفتن روزنامه

خبر

آخرین نرخ در بهشت زهرا

آرامگاه خانوادگی گران‌تر از ۳ میلیارد نداریم

ایلنا:محمدجواد تاجیک،مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س)، درباره گنجایش بهشت زهرا برای سال‌های آینده عنوان کرد: بهشت زهرا در دو بخش است؛ یک بخش در قطعات دفن روز است که به صورت رایگان انجام می‌شود و تقریباً روزی ۴۰ متوفی داریم و مابقی متوفیان نیز در قطعات گذشته دفن می‌شوند، یعنی ممکن است قبری پیش‌خرد شده باشد و متوفی داشته و دو طبقه باقی مانده است یا از عمر قبری ۳۰ سال می‌گذرد و ما آن را احیا می‌کنیم و مجددا دفن داریم. اختیار این قبرها البته در دست ما نیست و در اختیار مردم است. هر وقت متوفی داشتند، می‌توانند بروند و در آنجا دفن کنند. ما روی این روزی ۴۰ متوفی که روز به روز افزایش پیدا می‌کند و در قطعات روز دفن می‌شوند، باید تدبیر کنیم و از همین‌رو ما چهار نقطه در تهران را مشخص کرده‌ام. مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س) خاطرنشان کرد: درحال‌حاضر قبرها در بهشت زهرا سه‌طبقه است، اما ممکن است در آرمستان‌های جدید با توجه به تجربه‌ای که در بهشت زهرا داریم و همه قبرهای سه‌طبقه بر نمی‌شوند، در مکان‌های جدید برخی از قبرها دوطبقه باشند. معمولاً حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد قبرهای سه‌طبقه پر می‌شوند و ۳۰ تا ۳۵ درصد از قبرهای سه‌طبقه به‌طور کامل بر نمی‌شوند. او درباره اخبار منتشرشده در فضای مجازی مبنی بر فروش مقبره‌های خانوادگی بدون اجازه صاحبان آنها به قیمت‌های گزاف تا ۱۸ میلیارد تومان گفت: بهشت زهرا بر اساس مصوبات شورای شهر قبرها را قیمت‌گذاری می‌کند و به فروش می‌رساند و به صورت رسمی قبور با قیمت مشخص دارند و طبق مصوبه شورا به فروش می‌رسند و این‌خ خبر کذب است و بهشت زهرا هیچ‌وقت این‌س کار را نکرده است، چراکه فیش صادر می‌شود مردم بر اساس فیش مبلغ قبر را واریز می‌کنند و طبیعی است که بهشت زهرا نمی‌تواند بیشتر از قیمت واقعی قبر فیش صادر کند. قیمت آرامگاه‌های خانوادگی بر اساس تعداد قبری که در داخل آنهاست، متفاوت است. در آرامگاه‌های خانوادگی معمولاً از ۱۵ قبر تا ۳۰ قبر وجود دارد و هیچ آرامگاه خانوادگی بیش از سه‌میلیارد خرده‌ای نداریم. تعداد قبرهایی که در آرامگاه وجود دارد، بر اساس مصوبه شورا قیمت‌گذاری شده است. ما در آرامگاه‌هایی که مالک دارند و مالک آنها چه ایران باشد و چه خارج از کشور باشد، دخل و تصرف نداریم. تاجیک در واکنش به ادعای مطرح‌شده در فضای مجازی مبنی بر اینکه برای خرید قبرهایی که در بخش‌های خوب و مناسب هستند، گاهی اوقات سکه به صورت رشوه دریافت می‌شود،گفت: به صورت رسمی این اتفاق نمی‌افتد و اگر هم کسی به صورت غیررسمی سند یا گزارشی دارد، به بازرسی بهشت زهرا اعلام کند و اگر مستندات ارائه شود، ما حتماً برخورد می‌کنیم.گران‌ترین قبریک طبقه در ناحیه یک ۵۰ میلیون تومان است، یعنی ما در بهشت زهرا از یک طبقه قبر رایگان در ناحیه سه داریم تا یک طبقه قبر به قیمت ۵۰ میلیون تومان در ناحیه یک که بخش قدیمی بهشت زهراست.

رفقار «خراسان» در شان بردنش نیست

موضوع دیگری که لازم می‌بینم به آن اشاره کنم، مسئله سخت و زیان‌آوربودن حرفه خبرنگاری است. وزارت ارشاد، به استناد قانون و در تعامل با مدیرکل اداره کار استان، تلاش و تاکید دارد که مجموعه خبرنگاری جزء مشغله سخت و زیان‌آور قرار بگیرد؛ بااین‌حال، اوضاع دارم که اخیراً پرونده‌های همکاران شما که شرایط احراز سخت و زیان‌آور را داشتند، متأسفانه رد شده است. به‌زعم من باعث تامل و تأسفس است که در عین‌انفعال بیش از ۱۱ هزار تشکل در کشور و وقتی تنها اصحاب رسانه هستند که درد جامعه را مطرح و مطالبه‌گری می‌کنند، چنین به آنها کم‌لطفی‌ شود. این‌س رویه برخورد دور از انصاف و غیراخلاقی با خبرنگاران، در هر حال محکوم است، اما وقتی پای برند مؤسسه خراسان در میان است، بیشتر به چشم می‌آید. یک نشریه شناخته‌شده و کشوری طبیعتاً باید متناسب با اعتبار بردنش با کارکنانش برخورد کند.

تلاش ناكام «شرق» برای تماس با مدیرمسئول خراسان

در روزهای گذشته، روزنامه «شرق» خودش را موظف دانست در تماس با مؤسسه خراسان، موضوع را از منظر مدیران این مجموعه هم بشنود و بررسی کند؛ منتها مدیرمسئول وقت خراسان، «سعیدی»، پاسخ‌گوی خبرنگار «شرق» نبود. دوشنبه هفتم مهرماه، مطلبی با عنوان «پیگیری وضعیت خبرنگاران مؤسسه خراسان» در کانال تلگرامی «باشگاه روزنامه‌نگاران ایران» منتشر شد که عیناً آن را نقل می‌کنیم به جای پاسخی که روزنامه «خراسان» به ما نداد:

«با درخواست برخی از اعضای تحریریه مؤسسه خراسان، رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران پیگیری وضعیتی شد که برای برخی از اعضای روزنامه خراسان رخ داده است. بنا بر آنچه پیش از این در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، ظاهراً در سننوات قبل به دلیل آنکه حقوق اعضای روزنامه عقب افتاده بود، مدیران مؤسسه خراسان به اعضای تحریریه پیشنهاد می‌دهند از بانک وام بگیرند تا این وام به صندوق روزنامه ریخته شود و از این‌جند حقوق عقب‌افتاده پرسنل پرداخت شود. اما اکنون چند ماهی است که اقساط پرداخت نشده و بانک با ارسال پیامک به خبرنگاران وام‌گیرنده آنها را از عقب‌افتادن اقساط مطلع کرده و از آنان خواسته است که این اقساط را پرداخت کنند.

آقای سعیدی، مدیر مؤسسه خراسان، در گفت‌وگو با اکبر منتجبی، رئیس انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران، توضیح داد این اتفاق در دوره آقای احدیان مدیر قبلی مؤسسه رخ داده است، اما خراسان و مدیران جدید خودشان را متعهد می‌بینند که این ماجرا را برطرف کنند و این‌گونه نیست که شانه خالی کنند. سعیدی همچنین گفت: مشکلات روزنامه از سال ۹۸ آغاز شد. وام از بانک مهر گرفته شده و ضمانت آن با مؤسسه است. حقوق معوقه بچه‌ها نیز از همین محل پرداخته شده است. اقساط عقب‌افتاده نیز بین دو تا پنج ماه است. بااین‌حال از آنجایی که مؤسسه خراسان ضامن بچه‌هاست، جای نگرانی نیست و مؤسسه خود را متعهد می‌داند اقساط را همچون گذشته پرداخت کند. همچنین به‌زودی توضیحات کاملی در این خصوص منتشر خواهد کرد».